

مطالعه رابطه اعتماد و وفاق اجتماعی در میان افراد ۲۰ سال و بالاتر شهر گنبد کاووس

غلامرضا خوش‌فر، استادیار گروه علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه گلستان*

صفیه مهدی‌زاده افروزی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

چکیده

موضوع بررسی حاضر، شناخت رابطه بین اعتماد و ابعاد آن به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های بشری و وفاق اجتماعی منتهی شونده به نظم اجتماعی است. ویژگی‌های اجتماعی و قومیتی جامعه مورد بررسی و وجود خرده فرهنگ‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای، لزوم دقت به وفاق و همبستگی اجتماعی در این جامعه را ضروری می‌سازد. چارچوب نظری این پژوهش بر نظریه نوین اشتومکا استوار است. در این تحقیق وفاق اجتماعی با چهار مؤلفه یا ارزش عام‌گرایی، عدالت‌گرایی، دینداری و وفاداری به میهن، اعتماد نیز در سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی سنجش شده‌اند. به منظور سنجش صحیح‌تر، متغیر میانجی هویت ملی و متغیرهای زمینه‌ای نیز در این تحقیق دخالت داده شده‌اند. روش تحقیق پیمایش و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه در بین حجم نمونه ۳۸۵ نفر از ساکنان ۲۰ سال و بالاتر شهر گنبد کاووس واقع در استان گلستان انجام گرفته است. نتایج تحلیل آماری نشان داد که بین اعتماد و وفاق اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین ابعاد اعتماد در سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی و نیز متغیر میانجی هویت ملی با وفاق اجتماعی نیز رابطه مثبت و معناداری دیده شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که از بین ابعاد اعتماد، بعد نهادی آن بیشترین رابطه و قدرت تبیین‌کنندگی متغیر وابسته را داراست.

واژه‌های کلیدی: وفاق اجتماعی، اعتماد (بین شخصی، تعمیم یافته، نهادی)، هویت ملی.

مقدمه و بیان مسأله

وفاق اجتماعی^۱ از مباحث اساسی، پیش‌گیری‌کننده و نظم‌دهنده جوامع انسانی به شمار می‌رود که همزمان با پیدایی اجتماعات انسانی، توجه به آن نیز از سوی آدمیان مورد غفلت قرار نگرفته است؛ به‌ویژه در دوران معاصر، عواملی چون صنعتی شدن، شهرنشینی، وجود خرده فرهنگ‌ها، کاربرد گسترده رسانه‌ها، مبحث جهانی شدن و روایت پیوستن فرهنگ‌های متعدد به یک فرهنگ واحد جهانی، لزوم دقت به این پدیده را دو چندان می‌سازد، اما در ایران، به عنوان کشوری در حال توسعه، با همجواری دو فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی و فرهنگ‌های پذیرفته شده از غرب مواجهیم. این رویه از دوره صفوی آغاز گشته و با بالاترین سطح وفاق در انقلاب اسلامی، در دوره کنونی در کنار ارتباطات اینترنتی و ماهواره‌ای و دیگر عوامل مرتبط و جهانی شدن فرهنگ به عنوان یک اصل در دوره کنونی، که خواهان شکستن حد و مرزهای فرهنگی و ارزشی بین دولت - ملت‌ها بوده و تأثیرات خود را بر روند افول وفاق ارزشی و هنجاری به نمایش می‌گذارد، مواجه هستیم. در کنار این امر، پدیده‌های تکثر قومی، قوم‌گرایی، جنبش‌های قومی، اعاده برابری و حیثیت قومی، عدالت توزیعی در میان اقوام و مسائل مرتبط با آن، از دیر باز از مسایل اجتماعی - سیاسی در سطح جهان و از جمله ایران به عنوان کشوری کثیرالمله بوده است.

دقت به کارکردهای وفاق اجتماعی بایستگی و شایستگی توجه به این امر و شرایط و عوامل تأثیرگذار بر روند افزایشی یا کاهش‌ی این پدیده (وفاق اجتماعی) را دو چندان می‌سازد. این کارکردها عبارتند از: هم‌نوایی و هم‌رنگی اجتماعی و کاستن از حرکت‌های ضد هنجاری و ضد ارزشی، نظیر: فساد اخلاقی، سیاسی و اداری، مانند: ریاکاری، پارتی بازی و قوم و خویش بازی، کم‌کاری و رشوه‌خواری و اختلاس، رفع تعارض‌های فرهنگی و قومی از طریق کاهش فاصله اخلاق نظری و عملی و قرار گرفتن عام‌گرایی به جای خاص‌گرایی

نظیر وابستگی عاطفی تعمیم یافته به اجتماع، هویت جمعی تعمیم یافته و تعهد درونی تعمیم یافته، سازگاری درونی و تمایل به خود تنظیمی ناشی از نظارت اجتماعی مبتنی بر احساس خجالت و تقصیر در مقابل احساس ترس و بیم در نظم بیرونی، خردگرایی و به قول پارسونز، سوگیری عام‌گرایانه نسبت به اعیان اجتماعی و فرهنگی، تقویت مجدد اعتماد اجتماعی، در اختیار گرفتن انحصار منابع و پاداش‌های ارزشمند از سوی اجتماع عام (ملی) (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۵۴)، بالا رفتن نشاط اجتماعی و کاهش اختلالات روانی به واسطه افزایش عواطف جمعی، پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای مردم در جامعه، همکاری اجتماعی، مشارکت اجتماعی (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۶) و سیاسی، توجه به بعد اجتماعی جامعه مدنی و نه سیاسی آن و شکل‌گیری «جامعه انجمنی» در مقابل جامعه قطعه‌ای گسسته، مصونیت در مقابل آثار مخرب انتشار فرهنگی، برخورد با فرهنگ‌های بیگانه و در نهایت اصلاح و توسعه پایدار اجتماعی و نظم کلان اجتماعی (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

اعتماد نیز از مسائل بنیادین و مغفول مطالعات اجتماعی و سیاسی است و بنیان اجتماع و روابط اجتماعی به شمار می‌رود. اعتماد صورتی از روابط اجتماعی است که تثبیت‌کننده نظم اجتماعی است؛ به این ترتیب که نظم اجتماعی براساس رعایت قوانین و مقررات ایجاد می‌شود و رعایت قوانین بر عهده افراد جامعه است و این مقرر نخواهد شد، مگر آنکه اعتماد در جامعه گسترش یابد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

از سوی دیگر، در جامعه مورد بررسی (شهر گنبد کاووس) با وجود حداقل دوگروه فارسی زبان‌ها و قوم ترکمن با دو سنت مذهبی شیعه و سنی و با خرده فرهنگ‌های مختص به خود، در کنار همزیستی مسألت‌آمیز در کنار یکدیگر، تا حدودی شاهد فاصله بین قومی نیز هستیم (گنجی، ۱۳۸۸: ۲۷). به عبارت دیگر، افزایش گروه‌ها به سبب تمایز یافتگی نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سبب شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های زیادی می‌شود و پیدایش این خرده فرهنگ‌ها تبعاتی دارد که ما را متوجه اهمیت وحدت و

¹ Social Consensus

مباحث و تعاریف نظری در این زمینه پرداخته‌اند. از بین تحقیقات نظری، مسعود چلبی نخستین کسی است که به تعریف جامعی از این مفهوم در مقاله «وفاق اجتماعی» پرداخته است. وی یکی از ارکان نظم وفاقی یا درونی را اعتماد اجتماعی تعمیم یافته می‌داند. شهناز صداقت‌زادگان (۱۳۷۹) در پژوهش «عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی با تأکید بر جامعه و قشربندی اجتماعی»، نشان داده است که بین متغیرهای تحصیلات، قشر اجتماعی، تعاملات اجتماعی، میزان مطالعه و وفاق اجتماعی رابطه مثبت معناداری وجود دارد، اما متغیرهای جامعه‌پذیری در خانواده و فعالیت‌های اقتصادی رابطه معناداری با متغیر وابسته نشان نمی‌دهد. عفت جعفری‌نژاد (۱۳۸۴) در پایان نامه خویش «تحلیلی بر برخی از عوامل اجتماعی مؤثر بر وفاق اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اصفهان)»، به این نتایج دست یافت که متغیرهای اطلاع‌رسانی و اعتماد اجتماعی با وفاق اجتماعی رابطه داشته است. اقباله عزیزخانی (۱۳۸۹) در «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری وفاق اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال»، به این نتیجه رسید که بین متغیرهای جنسیت، امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی رابطه‌ای وجود نداشته است.

برگر و همکارانش (۲۰۰۵) در بررسی مشترکشان «قومیت، فعالیت‌های داوطلبانه و یکپارچگی اجتماعی»، رفتارهای داوطلبانه را به عنوان پایه و اساس جامعه مدنی سالم در نظر گرفتند و به این نتیجه دست یافتند که اشتغال در فعالیت‌های داوطلبانه، در ایجاد موفقیت‌آمیز وفاق اجتماعی نقش داشته، اما فهم کاملتر و دقیق‌تر آن نیازمند توجهات تجربی و نظری بیشتری است. جفری ریتز و همکارانش (۲۰۰۸) در مقاله‌شان با عنوان «نژاد، مذهب و وفاق اجتماعی بین اقلیت‌های مهاجر جدید در کانادا» به این موضوع می‌پردازند که یکپارچگی و وفاق اجتماعی اقلیت‌های مذهبی جدید در کانادا بیشتر توسط پایگاه نژادی‌شان به خصوص وابستگی مذهبی، تبیین می‌شود. براساس یافته‌ها، اقلیت‌های

پیوستگی میان گروه‌ها می‌کند. از این رو، مسأله‌ای به نام وفاق اجتماعی مطرح می‌شود که پیوند دهنده میان واحدهای اجتماعی متمایز است. از سوی دیگر، با تمرکز قدرت در نظم سیاسی و امکان به هم ریختگی نظم وفاقی.

اقوام مختلف، رشد تضاد و تعارض‌های فرهنگی و سیاسی از سوی این اقوام دور از انتظار نخواهد بود. بدین ترتیب، بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی اقوام و خرده فرهنگ‌ها و در نهایت، کاهش خشونت اجتماعی و رسیدن به نظم اجتماعی، تثبیت و انسجام فرهنگی، هماهنگی ساختاری و کارکردی بین کنشگران و مسئولان در سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، پیوستگی عاطفی براساس رعایت داوطلبانه قواعد اجتماعی، توزیع و تقسیم عادلانه امکانات ملی و سرمایه‌های طبیعی و فیزیکی در سطح کشور را به همراه خواهد داشت (وطنی، ۱۳۸۱: ۲۸۲). براساس مطالب فوق و وجود بنیان‌های نظری و تجربی درباره پیوند بین اعتماد و وفاق اجتماعی، مسأله اصلی این تحقیق، رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی در بین شهروندان ۲۰ سال و بالاتر شهر گنبد کاووس، واقع در استان گلستان در سال‌های ۱۳۸۹-۹۰ است. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش شناخت رابطه بین ابعاد اعتماد و وفاق اجتماعی در شهر گنبد کاووس و شناخت تفاوت رابطه بین ابعاد اعتماد و وفاق اجتماعی در اقوام مختلف شهر گنبد کاووس است.

سؤال‌های تحقیق

- آیا بین اعتماد و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد؟
- آیا وجود اعتماد در میان مردم در افزایش یا کاهش وفاق اجتماعی تأثیرگذار است؟
- آیا اعتماد اجتماعی از طریق تأثیرگذاری بر هویت ملی بر وفاق اجتماعی اثرگذار است؟

پیشینه تجربی

اکثر پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه وفاق اجتماعی به

روش‌شناسی مردمی و حتی نظریه برجسب و تضاد از دریچه خود به مسأله نظم و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. در این میان، نظریه‌پردازان مختلف، به نوعی به نقش اعتماد در نظم و به طور ضمنی وفاق اجتماعی توجه داشتند. افکار صاحب‌نظرانی چون کنت (آرون، ۱۳۵۴: ۹)، دورکیم، مرتن، تونیس، پارسونز (درانی، ۱۳۸۷: ۲۷) (ورسلی، ۱۳۸۸: ۶۵)، تردی گویر (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۲۷)، کوهن (کوهن، ۱۳۸۱: ۴۵)، هابرماس (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۲۰۰)، (کریب، ۱۳۸۱: ۳۰۰) فوکویاما (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۱۱۰)، (بوما، ۲۰۰۸: ۱۵۵)، اینگلهارت (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۳) گیلدنز (افه، ۱۳۸۴: ۲۰۵)، افه (افه، ۱۳۸۴: ۲۰۵ و ۲۰۴)، میستال (میتال، ۱۹۹۸: ۹)، تونکسی و پسی (تونکسی و پسی، ۲۰۰۰) در این مقوله می‌گنجند.

در ایران نظریات در خصوص وفاق اجتماعی، نخستین بار توسط مسعود چلبی در مقاله‌ای با عنوان «وفاق اجتماعی» بیان گردید. وی با تعریف کامل و جامعی از وفاق اجتماعی آن را سرچشمه و رکن اساسی نظم اجتماعی در مقابل نظم سیاسی عنوان می‌کند. به عقیده وی، وفاق اجتماعی عبارت است از: «توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعاملی اجتماعی که خود موجود «انرژی عاطفی» است، به وجود می‌آید. انرژی عاطفی همزمان نتیجه و موجد (علت و معلول) توافق اجتماعی است» (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۷). نظم درونی یا وفاقی در نهایت به ایجاد اجتماعی منجر می‌شود که وی آن را اجتماع جامعه‌ای می‌نامد که منشأ و محل بروز هر نوع «ما» است. هنجار کلیدی در این اجتماع وفاداری و ارزش‌ها نیز از نوع ارزش‌های غایی هستند تا ارزش‌های ابزاری. کار اصلی این اجتماع نیز تولید احساس است و با تولید احساس، انرژی عاطفی برای حفظ همبستگی اجتماعی و احساس تعهد نسبت به اجتماع فراهم می‌شود (چلبی، ۱۳۸۳: ۵۲ و ۵۳).

از میان نظریه‌پردازانی که به مبحث اعتماد و نظم اجتماعی و رابطه میان آن دو پرداخته‌اند، پیوتر اشتومکا^۱ از جمله صاحب‌نظرانی است که به طور دقیق‌تری به رابطه بین

نژادی غیراروپایی، نسبت به مهاجران اروپایی، وفاق و یکپارچگی کمتری را نشان می‌دهند که بخشی از آن ناشی از تبعیض و نابرابری نسبت به آنان است. اسکاز و کومتر (۲۰۱۰) در تحقیق مشترکشان به نام «تفاوت‌های قومی و همبستگی ملی در هلند» دریافتند که قومیت با همبستگی ملی دارای رابطه معناداری بوده است. برناز کاراز و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله مشترکشان «نوع دوستی و وفاق اجتماعی» نتیجه می‌گیرند که وفاق و یکپارچگی اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی، به ایجاد حس نوع دوستی و کاهش احساس خودپرستی منجر می‌گردد.

همان‌گونه که در بالا آورده شد، تحقیقاتی که مشخصاً به رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی پردازند، انگشت شمارند. همچنین پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه بین این دو متغیر با توجه به عامل قومیت تقریباً در هیچ یک از تحقیقات انجام گرفته مشاهده نشده است. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با بررسی رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی که در شهر گنبد کاووس با سکونت چندین قوم، به خصوص دو قوم برجسته فارسی‌زبانان و ترکمن‌ها به انجام خواهد رسید، کاری نو در این زمینه خواهد بود؛ از این جهت که به تفاوت اعتماد در بین اقوام نسبت به یکدیگر و نسبت به کل نظام اجتماعی و از سوی دیگر، وفاق اجتماعی و مقایسه این اقوام از این منظر و همچنین، به تفاوت رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی در بین اقوام ساکن در شهر گنبد کاووس می‌پردازد.

چارچوب نظری

حوزه بررسی رابطه اعتماد و وفاق اجتماعی و همچنین، بررسی منفرد هر یک از این دو مفهوم همانند سایر حوزه‌ها در جامعه‌شناسی دارای مبانی نظری است که شکل‌گیری هر نظریه با توجه به زمان و مکان خاصی بوده است. از یک سو، هر نظریه به میزانی از قدرت تبیین‌کنندگی واقعیات برخوردار است و از سوی دیگر، هیچ نظریه‌ای به گونه‌ای جامع و کامل نمی‌تواند تمام وجوه یک پدیده را تبیین کند. دیدگاه‌های مختلفی از جمله کارکردگرایی، کنش متقابل نمادین،

^۱ Pieter Sztompka

هستند که در نهایت به آنها اعتماد می‌کنیم. وی در نهایت معتقد است که در همه انواع اعتماد ما با اعتماد به کنش‌های انسان و آثار یا محصولات آن مواجه هستیم. از سوی دیگر، وی معتقد است که بین انواع اعتماد رابطه وجود دارد؛ بدین صورت که در حالت وجود اعتماد در جامعه، اعتماد داشتن به سطوح بالاتر اعتماد، آن را عمیق‌تر کرده و همه سطوح پایین‌تر را شامل می‌شود و در حالت بی‌اعتمادی، اعتماد از سطوح پایین به سمت بالا گسترش می‌یابد. به این ترتیب، وی بین اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی تفاوت بنیادی قایل نمی‌شود، زیرا آن دو را دوائر متحدالمرکزی از اعتماد می‌داند که به تدریج از عینی‌ترین روابط بین شخصی به سمت روابط انتزاعی‌تری که معطوف به موضوع‌های اجتماعی هستند، بسط پیدا می‌کنند (همان: ۷۸). به طور کلی وی معتقد است، اعتماد از طریق پنج ساز و کار به صورت مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد نظم اجتماعی و به عبارتی، جامعه اخلاقی و وفاق اجتماعی، دخیل خواهد بود:

- مردم‌داری، مشارکت دیگران و تقویت پیوندهای بین شخصی
 - گسترش ارتباطات
 - پذیرش بیگانگان و تفاوت‌های فرهنگی یا سیاسی از طریق اعتماد بین فرهنگی
 - پیوستگی و انسجام مستقیم فرد به اجتماع یا احساس هویت جمعی
 - سازگاری بین اعتماد درونی (بین شخصی) و اعتماد بیرونی (اعتماد اجتماعی) و یا سازگاری میان کارکرد آنها.
- در نهایت، در چهارچوب نظری تحقیق حاضر، تمرکز اصلی بر اندیشه و نظر اشتومکا است و از دیدگاه، مفاهیم، تعریف و مؤلفه‌های وفاق اجتماعی چلبی (۱۳۷۲ و ۱۳۸۳) به عنوان جامعه‌شناس ایرانی نیز بهره برده‌ایم. با دقت به نظریه اشتومکا و با در نظر گرفتن رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی یا جامعه اخلاقی وی و برخی از مؤلفه‌های اعتماد؛ یعنی اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته و نهادی که از سوی اشتومکا به عنوان ابعاد اعتماد مطرح شده‌اند، همچنین، با تأکید بر یکی

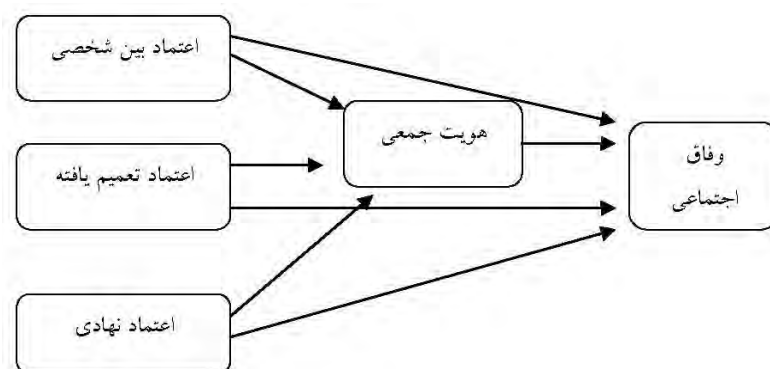
اعتماد و وفاق اجتماعی یا اجتماع اخلاقی پرداخته است. وی از نوعی جهت‌گیری فرهنگ‌گرایانه در علوم اجتماعی صحبت می‌کند که نوعی چرخش از مفاهیم سخت به مفاهیم نرم را در بردارد. به زعم او برخورداری جامعه جدید از ویژگی‌های منحصر به فردی چون آینده‌گرایی، شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، تزاید نقش‌ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی و توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی، برجستگی خاصی به مسایل مربوط به اعتماد بخشیده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). همچنین، وی معتقد به نوعی اجتماع اخلاقی یا وفاق اخلاقی است که از نظر وی جامعه‌ای است با مشترکات اخلاقی به صورتی که افراد برحسب آن، به شیوه‌ای با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند که یک «ما» را تشکیل می‌دهند.

وی در بحث از هستی‌شناسی اعتماد، سه ویژگی را برای آن در نظر می‌گیرد که مکمل یکدیگر هستند. اشتومکا در بحث از ویژگی سوم، اعتماد را به عنوان یک قاعده فرهنگی مطرح می‌کند. این بعد از اعتماد، نه ویژگی روابط یا افراد، بلکه ویژگی و خاصیت کلیت‌های اجتماعی است که به صورت قواعد و هنجارهای مربوط به اعتماد و در قالب فرهنگ اعتماد خود را بروز می‌دهد (اشتومکا، ۱۳۸۶: ۱۲۱). وی وجود فرهنگ اعتماد را زمینه‌ای برای ایجاد انگیزه اعتماد کردن که حاصل زندگی فردی است، در نظر می‌گیرد و به این نتیجه می‌رسد که قواعد فرهنگی ممکن است نقش قدرتمندتری را در میزان اعتماد یا بی‌اعتمادی در یک جامعه معین و یا در یک لحظه تاریخی معین، نسبت به دیگر شروط و زمینه‌های برقراری اعتماد بازی کنند.

اشتومکا در بحث از انواع اعتماد، برخلاف بسیاری از نویسندگان که معتقدند اعتماد بین شخصی در بردارنده ویژگی‌های اولیه و منحصر به فرد اعتماد است و آن را از انواع دیگر اعتماد جدا می‌کنند، معتقد است که در پس دیگر موضوع‌های اجتماعی پیچیده نیز افراد قرار دارند و این افراد

قالب الگوی زیر به نمایش در آمده است:

از ساز و کارهای اعتماد در ایجاد جامعه اخلاقی یا وفاق اجتماعی؛ یعنی احساس هویت جمعی، مدل نظری تحقیق در



نمودار ۱- مدل نظری رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی

فرضیات تحقیق

- بین اعتماد و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - بین اعتماد بین شخصی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - بین اعتماد تعمیم یافته (اعتماد به دیگران غائب) و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - بین اعتماد نهادی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - بین هویت جمعی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - بین اعتماد بین شخصی و هویت جمعی رابطه وجود دارد.
 - بین اعتماد تعمیم یافته و هویت جمعی رابطه وجود دارد.
 - بین اعتماد نهادی و هویت جمعی رابطه وجود دارد.
- فرضیات فرعی تحقیق نیز براساس ویژگی‌های جمعیتی اجتماعی عبارتند از: مقایسه رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی بر حسب قومیت، مقایسه میانگین وفاق اجتماعی، اعتماد و ابعاد آن و همچنین، هویت جمعی در میان اقوام مختلف شهر مورد بررسی، رابطه وفاق اجتماعی با متغیرهای جنسیت، سن، محل تولد، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و طبقه اجتماعی.

روش‌شناسی تحقیق

نوع مطالعه حاضر از نوع پیمایش بوده و جمع‌آوری اطلاعات

با ابزار پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری شامل ۸۰۴۴۹ نفر از سنین ۲۰ سال و بالاتر ساکن در شهر گنبد کاووس، واقع در استان گلستان در سال ۱۳۹۰ است. حجم نمونه براساس شیوه نمونه‌گیری تصادفی منظم با بهره‌گیری از صفت کمکی بلوک ساختمانی و براساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر تعیین شده‌اند. بدین منظور، حدود ۱۳۸۰ بلوک ساختمانی بر روی نقشه شهر گنبد کاووس مشخص و شماره‌گذاری شد و سپس با توجه به حجم نمونه که تقریباً ۴۰۰ نفر برآورد شده بود، ۴۰ بلوک از تعداد کل بلوک‌ها به طور تصادفی ساده با ارقام تصادفی انتخاب شدند؛ بدین صورت که با انتخاب یک رقم تصادفی و جمع بستن آن رقم تصادفی به بلوک اول، بلوک دوم مشخص گردید و سپس با جمع بستن آن رقم تصادفی به شماره بلوک دوم، بلوک سوم و با ادامه این کار، سایر بلوک‌ها نیز مشخص شدند. پس از آن با مراجعه به هر یک از ۴۰ بلوک و مراجعه به ۱۰ نفر ساکن ۲۰ سال به بالا در آنها به صورت تصادفی منظم (از طریق مراجعه به درب منازل)، اطلاعات گردآوری شده است.

متغیر وابسته تحقیق وفاق اجتماعی و متغیر مستقل تحقیق اعتماد و ابعاد آن در سه بعد بین شخصی، تعمیم یافته و نهادی مد نظر بوده است. از متغیر هویت ملی نیز چنانکه در نظریه اشتومکا آمده است، به عنوان متغیر واسطه استفاده شده

ضریب روایی هر متغیر پس از آزمون‌های اولیه می‌پردازد و نشان‌دهنده معتبر بودن ابزار جمع‌آوری داده‌هاست. همچنین، نرمال بودن متغیرها به منظور تعیین نوع آزمون مورد استفاده با توجه به معنی‌داری شاخص‌های کلمروگروف و شاپیروویک سنجیده شده است.

و سطح سنجش هرسه متغیر از نوع فاصله‌ای است. مؤلفه‌های مورد نظر هر متغیر پس از گرفتن اعتبار صوری از سوی متخصصان امر و همچنین آزمون اولیه برای سنجش روایی و سپس در مرحله بعد از جمع‌آوری اطلاعات نیز با محاسبه ضریب روایی یا آلفای کرونباخ و حذف گویه‌های نامناسب در طی این مراحل، انتخاب شده‌اند. جدول زیر به میزان

جدول ۱- مقدار ضریب روایی و نرمالیتی متغیرهای مستقل و وابسته

مفهوم	بعد	تعداد شاخص (گویه)	ضریب روایی	نرمالیتی (شاپیروویک)
وفاق	عام‌گرایی	۵	۰/۶۰	۰/۰۵
اجتماعی	عدالت‌گرایی	۵		
	دینداری	۵		
	وفاداری به میهن	۵	۰/۷۳	
اعتماد	اعتماد بین شخصی	۵	۰/۶۷	۰/۰۵
	اعتماد تعمیم یافته	۵	۰/۸۳	
	اعتماد نهادی	۱۰	۰/۶۰	۰/۰۴
هویت ملی	-----	۶		

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

اعتماد در زبان فارسی مترادف با تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد به کار آمده است (عمید، ۱۳۶۹: ۲۰۱). در این پژوهش دیدگاه اشتومکا درباره اعتماد و انواع آن مدنظر است. وی در ساده‌ترین تعریف اعتماد را تردید نسبت به کنش‌های احتمالی دیگران در آینده می‌داند. اشتومکا اعتماد را به سه گروه اصلی اعتماد بین شخصی، اعتماد به مقوله‌ها یا اعتماد به دیگران غائب (اعتماد تعمیم یافته) و اعتماد اجتماعی یا عمومی (اعتماد نهادی) تقسیم می‌کند. انواع این اعتمادها بنا بر شعاع اعتماد شامل: اعتماد به خانواده و کسانی که آنها را به نام می‌شناسیم و با آنها رو در رو تماس داریم (دوستان و همسایگان و...)، افراد معروف و سرشناس (هنرمندان)، دیگران غایب (هموطنان، اعضای گروه قومی، مذهبی و...)، که در اینجا اعتماد به اشخاص واقعی به تدریج به اعتماد به مقوله‌های اجتماعی‌تر تبدیل می‌شود. مقوله‌های انتزاعی و یا اجتماعی اعتماد شامل اعتماد به نقش‌های اجتماعی (پزشک، مادر)، اعتماد به گروه اجتماعی (گروه دانشجویی، تیم فوتبال)، اعتماد به نهادها و

وفاق اجتماعی عبارت است از «توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعامل اجتماعی که خود موجب انرژی عاطفی است، به وجود می‌آید» (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۸). به عبارتی دیگر «وفاق اجتماعی مظهر قبول جلوه‌ها، مدل‌ها و سلسله ارزش‌های اجتماعی توسط همگان است که اساس یک زندگی اجتماعی مثبت را تشکیل می‌دهد و اضمحلال آن موجب بی‌سامانی و فروریختگی ساخت جامعه می‌گردد» (بیرو، ۱۳۷۰: ۶۴). برای به مقیاس درآوردن این متغیر، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های استفاده شده در طرح ملی سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲) که زیر نظر چلبی و با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۲۸ استان کشور به انجام رسید، مد نظر قرار گرفته است. بدین ترتیب، از مؤلفه‌های ارزشی چون عدالت، نگرش‌ها و ارزش‌های دینی، هنجار وفاداری به میهن و عام‌گرایی، استفاده شده است. برای سنجش این متغیر در مجموع از بیست گویه استفاده شده است.

۴ که زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرد و اعضای جامعه به آن افتخار می‌کنند (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۲). با دقت به اینکه در نظریه اشتومکا هویت ملی یکی از ساز و کارهای اعتماد در تقویت جامعه اخلاقی یا به عبارت دیگر وفاق اجتماعی است، به عنوان متغیر واسطه یا میانجی انتخاب شده است. این متغیر با شش گویه سنجش شده است. نمونه‌ای از مؤلفه‌ها و گویه‌ها در جدول ۲ آورده شده است.

سازمان‌ها (مدرسه، دانشگاه، ارتش، بانک، علم و...) و اعتماد به نظام‌های انتزاعی‌تر (ارتباطات، شبکه‌های کامپیوتر، حمل و نقل، نظم اجتماعی، کارایی نظام، جامعه قوی و...) هستند (اشتومکا، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۴). از بیست گویه برای سنجش این متغیرها استفاده شده است. هویت ملی عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها، دلبستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، قومی و

جدول ۲- نمونه‌ای از مؤلفه‌ها و گویه‌های متغیرهای مستقل و وابسته

مفهوم و ابعاد	مؤلفه	گویه‌ها (سؤال‌ها)
وفاق اجتماعی	عدالت‌گرایی	- «در کشور ما به همه اقوام باید به یک چشم نگاه کرد».
	دینداری	- «با کمک دین باید مشکلات اخلاقی و فرهنگی جامعه را حل کرد».
	عام‌گرایی	- «هر کسی باید به فکر خودش باشد و به دیگران اهمیت ندهد».
اعتماد بین شخصی	وفاداری به میهن	- «اگر پیشرفت و آبادانی کشور نیاز به این داشته باشد که هر ایرانی یک ماه از سال را در مناطق محروم کشور خدمت کند و شما نیز واجد چنین شرایطی باشید، تا چه اندازه حاضرید این کار را انجام دهید؟»
	اعتماد به خانواده اعتماد به سایر نزدیکان	- به هر یک از این گروه‌ها تا چه حد اعتماد دارید؟ (الف) خانواده؛ (ب) اقوام و خویشان؛ (ج) دوستان؛ (د) همکاران؛ (ه) همسایگان
اعتماد (اعتماد تعمیم یافته)	اعتماد به هموطنان، جنسیت و اقوام	- به نظر شما امروزه تا چه حد می‌توان به مردم اعتماد کرد؟
اعتماد اجتماعی یا عمومی (نهادی)	اعتماد به نقش‌های اجتماعی و سازمان‌ها	- تا چه اندازه به این مشاغل و دارندگان آن اعتماد دارید؟ ۱. پزشک ۲. معلم ۳. کاسب ۴. راننده ۵. نماینده مجلس شهرتان
هویت ملی	زبانی تاریخی جغرافیایی فرهنگی	۱- چقدر دوست دارید در جاهای عمومی به زبان فارسی صحبت کنید؟ ۲- به نظر شما فرهنگ مردم ایران تا چه حد قوی است؟ ۳- چقدر به خواندن کتاب‌های تاریخ ایران علاقه دارید؟ ۴- تا چه حد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنید؟ ۵- آداب و رسوم کشورتان چقدر برایتان ارزشمند است؟ ۶- اگر امکانات فراهم باشد، حاضرید برای همیشه از ایران بروید؟

یافته‌های پژوهش

داده‌های گردآوری شده در این تحقیق، از طریق بسته نرم‌افزاری علوم اجتماعی SPSS و در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصله از آزمون‌ها در دو دسته یافته‌های توصیفی و یافته‌های تحلیلی مطرح شده‌اند.

یافته‌های توصیفی

توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای فردی و اجتماعی تحقیق نشان داد که از کل نمونه مورد بررسی، ۵۹ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. از لحاظ سنی نیز حدود ۷۰ درصد از پاسخگویان در فاصله سنی ۲۰-۳۹ سال قرار داشتند.

(۱-۹ درصد)، سیستانی (۲/۹ درصد)، بلوچی (۱/۸ درصد) و ۱/۵ درصد نیز به سایر زبان‌ها تعلق داشتند. توزیع قومی جمعیت نمونه برحسب روش نمونه‌گیری تصادفی ساده صورت گرفته است که همگان شانس مساوی برای انتخاب شدن دارند.

به منظور توصیف متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، میانگین پاسخ و گرایش افراد مورد بررسی براساس هر یک از این متغیرها آورده شده است. جدول ذیل به توزیع پاسخگویان برحسب میانگین مؤلفه‌های وفاق اجتماعی، اعتماد و هویت جمعی می‌پردازد.

بیش از دو سوم افراد نمونه متولد شهر بوده‌اند، حدود ۷۵ درصد نمونه مورد بررسی متأهل و بقیه مجرد و سایر موارد ذکر شده‌اند. از لحاظ وضعیت اشتغال، بیش از دو سوم پاسخگویان شاغل بوده و برحسب نوع شغل نیز نیمی از افراد شاغل در گروه‌های شغلی ۵ و ۶ (برحسب تقسیم‌بندی منزلتی مشاغل به روش خوشه‌ای (کاظمی‌پور، ۱۳۷۲) و ۳۷ درصد نیز در گروه شغلی ۷ مشغول به کار بوده‌اند. توزیع فراوانی جمعیت برحسب نوع مالکیت مسکن نیز نشان می‌دهد که حدود ۶۸ درصد دارای خانه شخصی بوده‌اند. برحسب متغیر قومیت، حدود ۴۳ درصد نمونه مورد بررسی فارسی زبان، حدود ۴۱ درصد ترکمن و باقی نمونه به ترتیب به اقوام ترک

جدول ۳- میانگین فراوانی پاسخگویان

مفاهیم، مؤلفه و ابعاد	مقولات	میانگین کل فراوانی‌ها از ۵ نمره
وفاق اجتماعی	عام‌گرایی	۳/۶۶
	عدالت‌گرایی	۳/۷۶
	دینداری	۳/۴۵
	وفاداری به میهن	۸۷/۲
	کل	۳/۴۵
اعتماد	بین شخصی	۳/۲۰
	تعمیم یافته	۲/۰۱
	نهادی	۲/۸۹
	کل	۲/۷۰
هویت ملی	*	۳/۵۳

میزان وفاق اجتماعی در بین سه قومیت تفاوت چندانی نداشته است. میانگین انواع اعتماد در بین ترک‌ها بیشتر از سایر اقوام بوده و میزان هویت ملی نیز در بین فارسی زبان‌ها بیشترین مقدار را نشان داده است. آزمون معناداری این تفاوت‌ها در جدول ۸ آورده شده است.

داده‌های جدول فوق نشان‌دهنده آن است که میزان وفاق اجتماعی، اعتماد و هویت ملی در جامعه مورد بررسی، رقم بالاتر از متوسط را نشان داده و تنها در خصوص اعتماد تعمیم یافته این عبارت صدق نمی‌کند.

جدول ۴ به منظور توصیف میزان متغیرهای اصلی تحقیق در بین سه قومیت شهر گنبد تهیه شده است. بر طبق داده‌ها

جدول ۴- میانگین متغیرهای اصلی تحقیق در بین اقوام

قومیت	وفاق اجتماعی	اعتماد بین شخصی	اعتماد تعمیم یافته	اعتماد نهادی	هویت ملی
فارسی زبان	۴۶/۶	۱۵/۶	۹/۷	۲۸	۲۳
ترکمن	۴۵	۱۶/۴	۱۰/۷	۲۹/۸	۲۱/۵
ترک	۴۵	۱۷/۸	۱۱	۲۹/۳	۲۸

یافته‌های تحلیلی

به منظور تبیین رابطه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق و یا به عبارتی، به آزمون کشیدن فرضیات تحقیق از آماره‌های

پیرسون، رگرسیون دو متغیره و چند متغیره، تحلیل مسیر و با دقت به نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق از آزمون‌های پارامتریک استفاده شده است.

جدول ۵- ضرایب همبستگی و رگرسیونی ساده بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته		
	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب همبستگی مجذور	ضریب همبستگی بتا
اعتماد	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۴۱
اعتماد بین شخصی	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۲۸
اعتماد تعمیم یافته	۰/۲۷	۰/۰۷	۰/۲۷
اعتماد نهادی	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۳۵
هویت ملی	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۴۱
کل (غیر از متغیر اعتماد)	۰/۴۹۸	۰/۲۴۸	*

جدول فوق بیانگر آن است که بین اعتماد و وفاق اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و این همبستگی درحد متوسطی ($R=0/41$) است. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی، متغیر اعتماد می‌تواند حدود ۱۷ درصد از تغییرات وفاق اجتماعی را در جامعه مورد بررسی پیش‌بینی کند. از بین ابعاد اعتماد نیز اعتماد نهادی با میزان بتای $0/35$ و در مراتب بعدی اعتماد بین شخصی و تعمیم یافته بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وفاق اجتماعی داشته‌اند. به عبارتی دیگر، اعتماد نهادی به تنهایی ۱۷ درصد از تغییرات وفاق اجتماعی را پیش‌بینی کرده و اعتماد تعمیم یافته تنها $0/7$ درصد از این

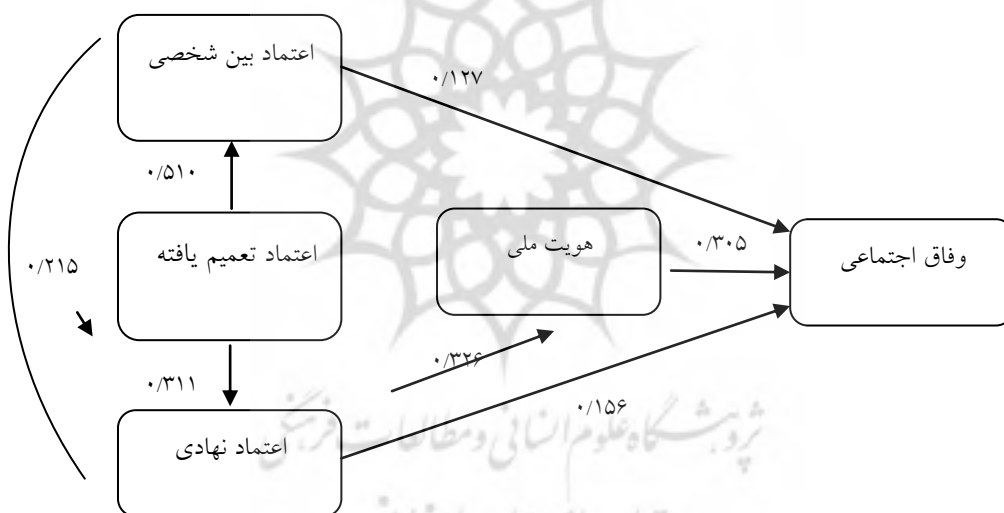
تغییرات را تبیین می‌کند. متغیر هویت جمعی نیز به اندازه متغیر اعتماد و به تنهایی در حدود ۴۰ درصد از تغییرات وفاق اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و وابسته نشان می‌دهد که همبستگی متوسطی ($R^2=0/248$) بین متغیرهای مستقل و وابسته دیده می‌شود؛ بدین صورت که متغیرهای اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد نهادی و هویت ملی در مجموع می‌توانند حدود ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی و تبیین می‌کنند و معادله از قدرت تبیین‌کنندگی متوسطی برخوردار است.

جدول ۶- رابطه بین ابعاد اعتماد و هویت ملی به ترتیب میزان رابطه

اعتماد تعمیم یافته	اعتماد بین شخصی	اعتماد نهادی	متغیر مستقل	متغیر وابسته
۰/۱۶	۰/۲۰	۰/۳۳	مقدار ضریب	هویت ملی
۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	سطح معناداری	

نیز ۰/۰۰ بوده است و به این ترتیب، سه فرضیه اصلی دیگر تحقیق؛ یعنی رابطه بین اعتماد بین شخصی با هویت جمعی، رابطه اعتماد تعمیم یافته با هویت جمعی و رابطه اعتماد نهادی با هویت جمعی از لحاظ آماری تأیید شده است. درنهایت، با استفاده از تحلیل مسیر و رگرسیون دو متغیره، مدل تجربی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته ترسیم شد.

براساس یافته‌های حاصل از ضریب همبستگی بین ابعاد اعتماد و هویت جمعی که در جدول فوق آورده شد، بین این متغیرها نیز رابطه معناداری دیده شده است؛ بدین ترتیب که اعتماد نهادی با میزان ضریب ۰/۳۳ بیشترین رابطه را با هویت جمعی داشته و اعتماد بین شخصی و تعمیم یافته در مراتب بعد به میزان‌های ۰/۲۰ و ۰/۱۶ با متغیر هویت جمعی در رابطه بوده‌اند. جهات همه مقادیر مثبت و سطح معناداری آنها



نمودار ۲- مدل تجربی رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی

بین شخصی به میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم (اثر کل) ۰/۱۸۳، ۱۸ درصد از واریانس وفاق اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. اعتماد تعمیم یافته به صورت غیرمستقیم، ۱۴ درصد از تغییرات وفاق اجتماعی را تبیین می‌کند. بدین ترتیب، مدل تجربی تحقیق با چهار متغیر مستقل اصلی تحقیق که بر گرفته از نظریه اشتومکاست، تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و کل هر یک از متغیرهای مذکور را بر روی متغیر وابسته نشان می‌دهد.

مدل تجربی و بررسی تأثیرات کل هر یک از متغیرهای مستقل جدول ذیل نشان می‌دهد که مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های وفاق اجتماعی به ترتیب عبارتند از: هویت ملی به میزان اثر مستقیم ۰/۳۰۵ که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را بر روی وفاق اجتماعی داشته و ۳۱ درصد از تغییرات وفاق اجتماعی را تبیین و پیش‌بینی می‌کند. اعتماد نهادی به مقدار تأثیر مستقیم و غیر مستقیم (اثر کل) ۰/۲۰۶، ۲۰ درصد از تغییرات وفاق اجتماعی را تبیین کرده و اعتماد

جدول ۷- میزان تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیرها	نوع تأثیر	
	مستقیم	غیر مستقیم
هویت جمعی	۰/۳۰۵	-
اعتماد نهادی	۰/۱۵۶	۰/۰۵۰
اعتماد بین شخصی	۰/۱۲۷	۰/۰۵۶
اعتماد تعمیم یافته	-	۰/۱۴۲

در اشاره به فرضیات فرعی تحقیق، از بین هشت فرضیه، دو فرضیه تأیید شده است که عبارتند از: «میانگین وفاق اجتماعی در بین دو جنس متفاوت است و میانگین اعتماد ابعاد آن در بین قومیت‌های ساکن در شهر گنبد متفاوت هستند». آزمون مقایسه‌های چندگانه (LSD) نشان داد که میزان اعتماد در بین ترکمن‌ها و حتی سیستانی‌ها بیشتر از فارسی زبان بوده است و این تفاوت معنادار است. همچنین، در فرضیه یازدهم که به معناداری تفاوت میانگین اعتماد بین شخصی در بین اقوام می‌پردازد و مورد تأیید نیز شده است، مقایسه‌های چند گانه نشان می‌دهد که بین دو قوم اصلی ترکمن و فارسی زبان‌ها تفاوت معناداری از لحاظ داشتن اعتماد بین شخصی مشاهده نشده است. تنها بین فارسی زبان‌ها و ترک‌ها از این لحاظ تفاوت معناداری وجود داشته و ترک‌ها دارای اعتماد بین شخصی بیشتری نسبت به فارسی زبان‌ها هستند که می‌تواند ناشی از تعصبات خانوادگی بیشتر آنها باشد. مقایسه‌های چند گانه در فرضیه دوازدهم که به معناداری تفاوت میانگین اعتماد تعمیم یافته در بین اقوام می‌پردازد، نشان داد که بین ترکمن‌ها و فارسی زبان‌ها تفاوت

معناداری در داشتن اعتماد تعمیم یافته وجود دارد و این میانگین در بین فارسی زبان‌ها کمتر از ترکمن‌هاست. در فرضیه سیزدهم که به معناداری تفاوت میانگین اعتماد نهادی در بین اقوام می‌پردازد نیز، تفاوت معناداری از لحاظ داشتن اعتماد نهادی بین دو قوم ترکمن و فارسی زبان‌ها مشاهده نشد.

میانگین وفاق اجتماعی در بین قومیت‌های مختلف مشابه بوده و تفاوت معناداری از این لحاظ مشاهده نشده است. به عبارتی، اقوام ساکن در این شهر تفاوت معناداری با یکدیگر در داشتن وفاق اجتماعی نداشتند. همچنین، اقوام مختلف از لحاظ میزان هویت ملی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. مقایسه‌های چند گانه اقوام نشان می‌دهد که فارسی زبان‌ها نسبت به ترکمن‌ها دارای هویت ملی بیشتری بوده و میان سایر قومیت‌ها از این لحاظ تفاوت معناداری دیده نشده است.

خلاصه‌ای از آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیرهای اصلی تحقیق بر حسب قومیت در جدول ذیل آورده شده است.

جدول ۸- آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیرهای اصلی بر حسب قومیت

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نسبت F	سطح معنی داری
قومیت	وفاق اجتماعی	۰/۰۲	۰/۰۶
	اعتماد کل	۵/۶۷	۰/۰۰
	اعتماد بین شخصی	۶/۷۸	۰/۰۱
	اعتماد تعمیم یافته	۴/۸۸	۰/۰۰
	اعتماد نهادی	۳/۳۱	۰/۰۳
	هویت ملی	۲/۶۷	۰/۰۱

بدین منظور، با انتخاب جداگانه هر یک از این اقوام (select cases در if condition) و آزمون رابطه اعتماد و وفاق اجتماعی در آنها، به تفاوت میزان و شدت این رابطه در اقوام ترکمن و ترک و همچنین، فارس زبانها پرداخته شد. از سنجش این رابطه در سایر اقوام به علت فراوانی کم آنها در نمونه صرف نظر شد.

بین سایر متغیرهای زمینه‌ای، از قبیل: سن، میزان تحصیلات، محل تولد، وضعیت اشتغال و طبقه اجتماعی رابطه معناداری با وفاق اجتماعی وجود ندارد. مهمترین فرضیه فرعی تحقیق عبارت از این بود که: رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی بر حسب قومیت تفاوت می‌پذیرد. به عبارتی دیگر، آیا رابطه بین این دو متغیر در هر یک از اقوام ساکن در شهر گنبد کاووس متفاوت است؟

جدول ۹- آزمون همبستگی و رگرسیونی بین اعتماد و وفاق اجتماعی بر حسب قومیت

قومیت	ضریب همبستگی	ضریب رگرسیونی	سطح معنی داری
فارسی زبان	۰/۴۵	۰/۲۰	۰/۰۰
ترکمن	۰/۳۹	۰/۱۵	۰/۰۰
ترک	۰/۳۸	۰/۱۴	۰/۰۲

اجتماع ملی و فرهنگ آن شده، فضای جامعه را برای اعتراض و شورش‌های توده‌ها می‌تواند آماده سازد. طبق نظر دورکیم، نظم اجتماعی نسبتاً با ثبات بر نوعی وفاق اجتماعی استوار است و پیوستگی‌های عاطفی سازنده بنیان پیش‌عقلایی وفاق اجتماعی هستند (چلبی، ۱۳۷۲: ۲۲). به این ترتیب، احساس و پیوستگی‌های عاطفی در میدان تعاملی که در آن احساسات مثبت افراد نسبت به یکدیگر شکل می‌گیرد، می‌تواند زمینه‌ساز تشکیل «ما» و ایجاد وفاق در «ما» شود (همان: ۲۲). مسلم است که یکی از این عواطف و احساسات که در تعامل افراد با یکدیگر می‌تواند موجب «ما»ی مشترک گردد اعتماد است. اعتماد به عنوان یک پیش‌زمینه رفتاری و کنشی است که می‌تواند به تعهد افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به ساختارها و موجب درونی‌سازی و جامعه‌پذیری فرهنگی و ارزشی در میان یک ملت منجر گردد. اعتماد در روابط و مبادلات اجتماعی، میان‌کنشگران احساسات مثبت ایجاد کرده و تولید و بازتولید احساسات مثبت در میان آنها، بروز احساس مشترک در امور مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را سرعت می‌بخشد.

وفاق اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم مرتبط با نظم و همبستگی اجتماعی، مقدمه‌ای برای نظم اجتماعی و ساختاری و فقدان آن موجب اضمحلال و بی‌سازمانی اجتماعی محسوب می‌گردد. در فضای مبتنی بر وفاق اجتماعی، ابزارهایی چون: زور و اجبار کارایی خود را از دست می‌دهند و در مقابل، اعتقاد به روابط صمیمانه، درستکاری و تعهد داوطلبانه افزایش می‌یابد. این امر به خصوص در جوامعی مانند ایران که اقوام مختلفی چون کرد، ترک، ترکمن، لر و ... را در خود جای داده است که حین داشتن وجوه اشتراک فراوان، دارای تفاوت‌های گویشی، مذهبی و تمایزات خرده فرهنگی هستند، از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ زیرا رابطه دو سویه پذیرش و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ عمومی و ملی از سوی اقلیت‌ها و پذیرش خرده فرهنگ‌ها از سوی اجتماع و به بازی گرفتن آنها در توسعه پایدار از اهمیت درخور توجهی برخوردار است؛ چنانکه بی‌توجهی یا کم توجهی نظام سیاسی به پتانسیل‌ها و امکانات گروه‌های مختلف قومی و مذهبی در برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف جامعه، موجب جداسازی این اقلیت‌ها از وابستگی عاطفی به

چندین ساله دو قوم ترکمن و فارسی زبان در کنار هم می‌تواند عاملی باشد در به هم پیوستگی فرهنگی، هویت ملی و جمعی و همچنین، وفاق اجتماعی مشابه در میان این قومیت‌ها. از سوی دیگر، اعتماد با میانگین متوسطی در سطح جامعه مورد بررسی، در بین اقوام مختلف تفاوت معناداری را نشانگر بوده، بدین ترتیب که میزان اعتماد کلی فارسی زبان‌ها کمتر از ترکمن‌ها بوده است. این مسأله می‌تواند ناشی از چند قومیتی بودن جامعه مورد بررسی باشد. همچنین، به عنوان یک یافته مهم، رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی در بین اقوام مختلف شهر گنبد کاووس، میزان و شدت متفاوتی را نشان داده است؛ بدین صورت که این رابطه در بین فارسی زبان‌ها نسبت به دو قوم ترکمن و ترک از شدت بیشتری برخوردار است. این نتیجه می‌تواند ناشی از میزان اعتماد کمتر فارسی زبان‌ها نسبت به اعضای جامعه و همچنین نظام باشد که در پی آن در صورت پایین آمدن اعتماد در میان آنها، از میزان وفاق اجتماعی آنان نیز با شدت بیشتری نسب به سایر اقوام کاسته خواهد شد و از سوی دیگر، با تقویت اعتماد در آنها، وفاق اجتماعی آنان نیز در مقایسه با اقوام ترکمن و ترک با شدت و قوت بیشتری بالا خواهد رفت. این مسأله لزوم دقت مسؤولان امر را در جهت تقویت اعتماد در میان فارسی زبان‌ها بر می‌انگیزد.

بدین ترتیب، فرضیه اصلی تحقیق که به رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی می‌پردازد، با دقت به چارچوب نظری تعیین شده که نظریه اعتماد اشتومکاست، در جامعه آماری تأیید شده و معنادار است. اشتومکا معتقد به فرهنگ اعتماد بوده، آن را عامل نرم‌افزاری جهت نظم اجتماعی و اجتماع اخلاقی در نظر می‌گیرد. به عقیده وی، اعتماد از طریق پنج راهکار به حفظ نظم و جامعه‌ای با مشترکات اخلاقی کمک می‌کند. یکی از این راهکارها، تقویت تجانس جمعی ناشی از هویت جمعی یا ملی است. وی در نهایت اعتماد را پیش شرطی برای دموکراسی مبتنی بر وفاق در نظر می‌گیرد. بدین ترتیب، بر طبق نظریه مذکور مبنی بر رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی،

بدین ترتیب، لزوم وجود اعتماد به عنوان تضمینی برای وفاق و نظم وفاقی و رابطه میان این دو متغیر در یک جامعه چند قومیتی به عنوان هدف اصلی بررسی شد. متغیر وابسته این تحقیق را وفاق اجتماعی تشکیل می‌دهد که با استفاده از مؤلفه یا ارزش‌های عام‌گرایی، عدالت‌گرایی، دینداری و وفاداری به میهن شاخص‌سازی شد.

اعتماد نیز به عنوان متغیر مستقل در سه بعد اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته و نهادی بررسی شد. همچنین، متغیر هویت جمعی به عنوان یک متغیر میانجی یا واسطه در نظر گرفته شد. علاوه بر متغیرهای اصلی فوق‌الذکر، متغیرهای زمینه‌ای چون: سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضع تأهل، میزان درآمد و ... مورد بررسی رابطه‌ای با وفاق اجتماعی قرار گرفتند.

نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی تأیید شده است. به عبارتی، با افزایش در میزان اعتماد به میزان وفاق اجتماعی افزوده می‌گردد. همچنین، نتایج نشان می‌دهند که بین اعتماد و ابعاد آن با وفاق اجتماعی در جامعه مورد بررسی رابطه و همبستگی معنی‌داری وجود داشته، افزایش در میزان اعتماد و ابعاد آن می‌تواند به فزونی میزان وفاق اجتماعی در جامعه مورد بررسی منجر گردد. از سوی دیگر، شاخص هویت جمعی نیز که به عنوان یک متغیر میانجی در این تحقیق آورده شده است، رابطه معنادار درخور توجهی را با میزان وفاق اجتماعی در بین مردم نشان داده است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میزان وفاق اجتماعی در بین جمعیت نمونه به میزان تقریباً قابل توجهی بوده است. این میزان در بین اقوام مختلف شهر مورد بررسی مشابه هم بوده و تفاوت معناداری نداشته است. در تفسیر و تبیین نتایج فوق می‌توان به اصل سیاستگذاری‌های بین قومی در ایران، توسعه ارتباطات و تعاملات اجتماعی بین قومی، به خصوص در شهر گنبد نسبت به دیگر شهرهای چند قومیتی استان اشاره کرد. این عوامل همراه با همزیستی مسالمت‌آمیز

جنس»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۲، ص ۱۰۰-۱۳۲.

اختر محقق، مهدی. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، تهران: مهدی اختر محقق.

اشتومکا (زتومکا)، پیوتر. (۱۳۸۶). اعتماد/ نظریه جامعه‌شناختی، غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.

تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴). «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟» از کتاب سرمایه اجتماعی/ اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه: ۲۷۴-۲۰۱.

اینگهاتر، رونالد. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.

پیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

جعفری‌نژاد، عفت. (۱۳۸۴). تحلیلی بر برخی از عوامل اجتماعی مؤثر بر وفاق اجتماعی (مورد مطالعه: شهر اصفهان)، وحید قاسمی، رسول ربانی خوراسگانی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

چلبی، مسعود. (۱۳۷۲). «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، دوره دوم، شماره سوم، (۶): ۱۵-۲۸.

_____ . (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

_____ . (۱۳۸۳). چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

_____ . (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.

حسینی، سید جواد. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی وفاق اجتماعی و اقلیت‌های قومی در ایران و جهان، مشهد: انتشارات سخن گستر.

می‌توان به این نتیجه دست یافت که نظریه اشتومکا برای تبیین رابطه بین اعتماد و وفاق اجتماعی در جامعه مورد بررسی دارای اعتبار بوده و قابل کاربرد و تعمیم به جامعه مورد بررسی است. به این ترتیب، نتیجه‌گیری می‌شود که بین اعتماد و وفاق اجتماعی رابطه وجود داشته و این رابطه از طریق نقش میانجی هویت ملی برجسته‌تر خواهد بود. این نتیجه مطابق با مطالعات کیفی و پیمایش چلبی (۱۳۷۲)، جعفری‌نژاد (۱۳۸۴) و برخلاف نتیجه تحقیق عزیز خانی (۱۳۸۹) است. همچنین، در رابطه با قومیت به عنوان یک متغیر زمینه‌ای مهم و تفاوت میانگین وفاق اجتماعی بر حسب آن نتایج حاصله تأیید کننده تحقیقات جعفری‌نژاد (۱۳۸۴)، سخاوتی‌فر (۱۳۸۶)، عاملی و مولایی (۱۳۸۸) و اسکانفر و کومر (۲۰۱۰)، اندرسون و میلیگان (۲۰۱۰)، ریتز و همکارانش (۲۰۰۸) بوده است.

در نهایت، پیشنهاد می‌گردد به منظور حفظ و ارتقاء وفاق اجتماعی و همچنین اعتماد اجتماعی، سیاست‌های قومی مثبت همانند سیاست‌های قومی تکثر گرایانه آن هم از نوع مساوات طلبانه، به حداقل رساندن نابرابری‌های موضعی، گسترش سیاست‌هایی در جهت افزایش امنیت اجتماعی به منظور افزایش اعتماد در بین مردم، جلوگیری از نابرابری بیرونی (توزیع جمعیت براساس ویژگی‌های اکتسابی و نه انتسابی) و در نهایت رجوع به اصل شایسته سالاری و اجرای عدالت و همچنین انجام تحقیقاتی جهت بررسی عوامل مؤثر بر سطوح کم اعتماد در میان فارسی زبان‌ها نسبت به سایر اقوام ساکن در شهر گنبد کاووس مورد دقت و واکاوی قرار گیرد.

منابع

آرون، ریمون. (۱۳۵۴). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، باقر پرهام، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

آزادارمکی، تقی و افسانه کمالی. (۱۳۸۳). «اعتماد، اجتماع و جنسیت/ بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو

- درانی، کمال و زهرا رشیدی. (۱۳۸۷). «بررسی تعاریف، مفاهیم و چگونگی ایجاد سرمایه اجتماعی (با تأکید بر اعتماد اجتماعی)»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال دوم، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۸-۱۹.
- سختوتی فر، نور محمد. (۱۳۸۶). *بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت قومی ترکمن‌ها در استان گلستان*، احمد رضایی، بابلسر، دانشگاه مازندران: دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- صداقت‌زادگان، شهناز. (۱۳۷۹). «عوامل مؤثر بر وفای اجتماعی با تأکید بر جامعه‌پذیری و قشر اجتماعی»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، ش ۲۴ و ۲۵، صص ۳۶-۴۷.
- عزیز خانی، اقباله. (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و فواید اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال*، سال چهارم، ش ۱۷، ص ۹۴-۱۱۰.
- کرایب، یان. (۱۳۸۱). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، عباس مخیر، تهران: نشر آگه.
- کوهن، پرسای اس. (۱۳۸۱). *نظریه اجتماعی نوین*، یوسف نراقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عبدالهی، محمد و میرطاهر موسوی. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش ۲۵، صص ۱۹۵-۲۳۳.
- گنجی، قربانعلی و محمدرضا گنجی. (۱۳۸۸). «بررسی میزان فاصله‌پذیرش بین قومی (با تأکید بر اقوام در استان گلستان، ۱۳۸۸)، *فصلنامه مطالعات سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر*، سال دوم، ش ۵، صص ۲۷-۴۵.
- محسنی تبریزی، علیرضا و اسماعیل شیرعلی. (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان ایرانی خارج از کشور: مورد پژوهی دانشگاه‌های کشور آلمان»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۵۲، صص ۱۵۱-۱۷۶.
- ورسلی، پیتر. (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم*، سعید معیدفر، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۱). «وفاق اجتماعی گروه‌های قومی و مذهبی به عنوان راهبردی مشارکتی جهت توسعه استان گلستان»، *مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی*، جلد دوم، تهران: ۲۷۰-۲۹۹.
- Anderson, Robert & Milligan, Scott (2010) "Immigration, Ethnicity, and Voluntary Association Membership in Canada: Individual and Contextual Effects", *Reserch in Social Stratification and Mobility*, Doi:10.1016
- Berger, Ida E. & Others. (2005) "*Ethnicity, Voluntary Behavior and Social Integration*", ASAC, Toronto. Ontario.
- Branas-Garaz, Pablo & Others. (2010) "Altruism and Social Integration", *Games and Economic Behavior*, G9, 249-257.
- Misztal, Barbara A. (1998) *Trust in Modern Societies: The Search for the Bases of Social Order*, UK, Blackwell, Ltd.
- Reitz, G. Jeffrey, and Others. (2008) "*Rase, Religion, and the Social Integration of New Immigrant Minorities in Canada*", University of Toronto, ON M5S 3K7.
- Schans, Djamila & Aafke Komter. (2010) "Ethnic Differences In Integrational Solidarity In Netherlands", *Journal of Aging Studies*, 24:194-203
- Sztompka, Pieter. (2010) "*Trust, Distrust and the Paradox of Democracy*", Wissens Chaftszentrum Berlin for Sozialforschung (WZB), Reicnpiets chufer 50, D- 10785 berlin.
- Tonkiss, Fran and Passey, Andrew. (Eds.) (2000) *Trust and civil society*, New York Palgrave Macmillan. ISBN 9780312235895.